

# آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

تاریخ تصویب : ۱۳۷۹/۲/۱۹

تاریخ : ۱۳۷۹/۳/۳

نقل از روزنامه رسمی شماره : ۱۶۰۹۰

تاریخ : ۱۳۷۹/۲/۱۹

شماره : ۱/۷۹/۱۹۰۷

ماده ۱- رسیدگی در دیوان عدالت اداری محتاج به تقدیم دادخواست است که باید به زبان فارسی و با خط خوانا روی برگ رسمی دادخواست به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه نوشته شود و به امضا یا اثر انگشت شاکی یا نماینده قانونی او برسد .

امضا یا اثر انگشت شاکی یا نماینده قانونی او به وسیله دفتر شعب دیوان یا دفتر یکی از دادگاه ها یا دفتر اسناد رسمی یا شورای محلی یا یکی از ادارات دولتی یا نهادهای انقلابی و در مورد افراد مقیم خارج از کشور به وسیله مامورین کنسولی جمهوری اسلامی ایران گواهی شود .

به دادخواست باید طبق مقررات قانونی تمبر قانونی الصاق و ابطال شود.

ماده ۲- در دادخواست باید نکات زیر قید گردد :

الف- نام و نام خانوادگی و نام پدر و شغل و اقامتگاه شاکی با مشخصات کامل به نحوی که ابلاغ اوراق به سهولت ممکن باشد .

ب- نام وزارتخانه یا موسسه یا واحد طرف شکایت و یا نام و نام خانوادگی و شغل و اقامتگاه مامور مربوطه .

پ- موضوع شکایت و خواسته .

ت- ذکر مدارک و دلایل مورد استناد .

ماده ۳- هر گاه اقامتگاه شاکی در دادخواست معلوم نباشد و یا مورد شناسایی قرار نگیرد و یا شاکی شناخته نشود ، مدیر دفتر و یا جانشین او قرار رد دادخواست را صادر می کند .

ماده ۴- شاکی باید رونوشت یا تصویر خوانای مصدق مدارک خود را به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه پیوست دادخواست نماید . مطابقت رونوشت یا تصویر مدارک با اصل آنها باید به تصدیق یکی از مراجع مذکور در ذیل ماده یک برسد . چنانچه اسناد به زبان فارسی نباشد ، باید ترجمه آنها به گواهی مترجم رسمی یا مامورین کنسولی جمهوری اسلامی ایران رسیده و به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه ضمیمه شود .

ماده ۵- هر گاه دادخواست توسط وکیل یا نماینده قانونی یا ولی یا وصی یا قیم یا مدیر عامل شرکت داده شده باشد باید رونوشت یا تصویر سند مثبت سمت دادخواست دهنده نیز ضمیمه گردد .

تبصره- دادخواست و ضمایم آن و همچنین اوراق مربوط به رفع نقص و تکمیل دادخواست باید به وسیله پست سفارشی به نشانی دبیرخانه دیوان ارسال و یا توسط شاکی در قبال اخذ رسید به دبیرخانه دیوان تسلیم گردد .

ماده ۶- طرفین می توانند برای طرح شکایت در دیوان و یا دفاع از شکایتی که علیه آنان به دیوان تسلیم شده شخصا اقدام و یا یک وکیل از طرف خود تعیین و معرفی نمایند .

تبصره- واحدهای مذکور در **بند (الف) ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری** می توانند جهت پاسخگویی یا ادای توضیح در خصوص شکایاتی که علیه آنان در دیوان طرح می شود نماینده معرفی نمایند .

ماده ۷- شرایط وکالت در دیوان به شرح زیر است :

الف- وکیل بایستی از بین وکلای رسمی دادگستری و یا دارای وکالت نامه رسمی باشد .

ب- چنانچه وکیل از وکلای رسمی دادگستری باشد ، امضا یا اثر انگشت موکل در ذیل وکالت نامه باید به گواهی یکی از مراجع مندرج در ذیل ماده (۱) برسد .

پ- چنانچه وکالت نامه در خارج از کشور تنظیم شده باشد ، امضا یا اثر انگشت موکل باید به گواهی مامورین کنسولی برسد .

ت- تصریح به وکالت در دیوان یا مراجع قضایی در وکالت نامه .

ماده ۸- در امور زیر اختیارات وکیل باید در وکالت نامه تصریح شود :

الف- وکالت در طرح شکایت در دیوان عدالت اداری یا پیگیری آن .

ب- وکالت در استرداد شکایت یا انصراف از شکایت .

پ- وکالت برای درخواست تجدید نظر از رای دیوان در مواردی که قابل تجدید نظر است .

**ماده ۹-** دادخواست وارده در دفتر ثبت دادخواست کل دیوان و نیز در دفتر ویژه ای (رپرتوار کل) بر اساس حرف اول نام خانوادگی شاکیان ثبت می گردد و سپس از طرف رییس کل یا معاون دیوان که به اوتفویض اختیار شده به یکی از شعب دیوان ارجاع می شود.

**تبصره-** دبیرخانه مکلف است قبل از آن که پرونده جهت ارجاع به نظر رییس کل دیوان برسد با مراجعه به دفتر رپرتوار کل چنانچه سابقه ای حاکی از طرح قبلی شکایت از طرف شاکی و یا از مشتکی عنه وجود داشته باشد مشخصات آن را در ذیل دادخواست ذکر نماید.

**ماده ۱۰-** پس از وصول و ثبت دادخواست در صورت ملاحظه عدم رعایت هر یک از موارد مقرر در این آیین نامه مدیر دفتر مکلف است ظرف دو روز موارد نقص را کتبا به شاکی اطلاع دهد ، در صورتی که شاکی ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه با رعایت مسافت قانونی نسبت به رفع نقص اقدام نکند از طرف مدیر دفتر قرار رد دادخواست صادر و به شاکی ابلاغ می شود و شاکی می تواند تجدید دادخواست نماید .

**ماده ۱۱-** در صورت تکمیل دادخواست مدیر شعبه مکلف است ظرف دو روز یک نسخه از دادخواست و ضمایم آن را برای ابلاغ به طرف شکایت ارسال دارد تا با رعایت مسافت بر طبق آیین دادرسی مدنی ظرف ده روز پاسخ خود را اعلام نماید . طرف شکایت باید به پاسخ کتبی خود تصویر یا رونوشت مصدق کلیه مدارک مورد استناد را نیز ضمیمه کند . با انقضای مدت مزبور مدیر دفتر باید پرونده را به ضمیمه گزارش خود مبنی بر کامل بودن دادخواست و ضمایم و نتیجه ابلاغ به طرف شکایت و وصول یا عدم وصول پاسخ طرف شکایت به نوبت به نظر رییس شعبه دیوان برساند .

**تبصره-** رییس شعبه دیوان می تواند در مواردی که ضروری تشخیص دهد به پرونده خارج از نوبت رسیدگی نماید .

**ماده ۱۲-** در مواردی که در اجرای تبصره یک ماده یک اصلاحی قانون مشاور تعیین می شود ، قبل از اتخاذ تصمیم شعبه ، مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و نظر کتبی خود را به شعبه مستدلاً اعلام نماید .

**ماده ۱۳-** هر گاه شاکی ضمن طرح شکایت مدعی گردد که اجرای تصمیمات و یا اقدامات مراجع مصرح در ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری موجب ورود خساراتی خواهد شد که

جبران آن در آتیه متعسر است می تواند دستور موقت مبنی بر توقف عملیات و اقدامات را تا تعیین تکلیف قطعی بنماید .

**تبصره ۱-** تقاضای صدور دستور موقت باید ضمن طرح دعوی اصلی در دادخواست بدوی مطرح شود . درخواست صدور دستور موقت در دادخواست جداگانه پس از تقدیم دادخواست نسبت به اصل ادعا در صورتی مسموع است که موجب آن بعدا حادث شده باشد .

**تبصره ۲-** در صورت تقاضای دستور موقت مدیر دفتر شعبه مربوطه مکلف است بلافاصله پرونده را به ضمیمه گزارش لازم به نظر رییس شعبه برساند .

**ماده ۱۴-** مرجع رسیدگی به تقاضای دستور موقت شعبه ای است که به اصل دعوی رسیدگی می کند و در صورت اتخاذ تصمیم به رد درخواست ، موضوع قابل طرح و رسیدگی مجدد نخواهد بود مگر آن که امر حادثی ضرورت رسیدگی مجدد را ایجاب نماید . قبول یا رد دستور موقت قابل تجدید نظر نیست .

**ماده ۱۵-** در صورتی که از ناحیه شاکی دلایل و مدارک لازم در جهت احراز ضرورت امر رایه شده باشد و موضوع عملیات خاتمه نیافته باشد ، شعبه پس از بررسی تقاضا و دلایل و مدارک مربوطه دستور موقت صادر می نماید .

**ماده ۱۶-** دستور موقت تاثیری در اصل دعوی ندارد و در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی یا قرار عدم صلاحیت و قطعیت آن بلااثر می گردد .

**ماده ۱۷-** شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت ، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید .

**ماده ۱۸-** تصمیم شعبه بدوی دیوان مبنی بر قبول دستور موقت یا رد آن به صورت دادنامه می شود . مدیر دفتر مکلف است آن را برای ابلاغ و اجرا به مرجع طرف شکایت ارسال نماید .

**ماده ۱۹-** در اجرای **تبصره های (۱) و (۳) الحاقی به ماده (۱۸) قانون دیوان عدالت اداری** منحصرأ به اعتراضاتی رسیدگی می شود که پس از تاریخ اجرای این قانون و ظرف مهلت دو ماه از تاریخ ابلاغ رای معترض عنه واصل شده باشد . آرای قطعیت یافته دیوان که از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون بیش از دو ماه از تاریخ ابلاغ آن گذشته باشد از شمول تبصره (۱) خارج است .

ماده ۲۰- در موارد زیر قرار رد شکایت صادر می شود :

الف- در صورتی که شاکی برای طرح شکایت اهلیت قانونی نداشته و یا سمت او در طرح شکایت محرز نباشد .

ب- وقتی شکایت متوجه مشتکی عنه نباشد .

پ- هر گاه کسی که به عنوان نمایندگی طرح شکایت کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت ، سمت او محرز نباشد .

ت- وقتی که شکایت طرح شده بین همان اشخاص یا اشخاصی که طرفین شکایت قائم مقام آنها هستند رسیدگی و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد .

ماده ۲۱- در مواردی که دیوان تشخیص دهد که رسیدگی به شکایات در صلاحیت دیوان نیست با صدور قرار عدم صلاحیت و قطعیت آن پرونده را به مرجع صالح ارسال می دارد .

ماده ۲۲- موارد رد دادرس در دیوان همان است که در آیین دادرسی مدنی مقرر است و حسب مورد پرونده جهت تعیین تکلیف به نظر رییس کل دیوان می رسد .

ماده ۲۳- شعبه دیوان می تواند در صورتی که مقتضی بداند هر یک از طرفین شکایت را برای رسیدگی و اخذ توضیح دعوت نماید و همچنین شعبه دیوان در صورت لزوم می تواند پرونده ها و سوابق و اسنادی را که در واحدهای دولتی و موسسات وابسته و شهرداری ها است مطالبه کرده و ملاحظه و مطالعه نماید . واحدی که پرونده یا سند نزد اوست مکلف است در مدت مقرر پرونده یا سوابق یا سند مورد مطالبه را ارسال نماید ، مگر این که ارسال یا ابراز پرونده یا سند منافی با مصالح سیاسی کشور یا انتظامات عمومی باشد که در این صورت باید پاسخ لازم یا توضیح کافی به شعبه دیوان بدهد و چنانچه شعبه دیوان با لحاظ توضیح مزبور ارسال و یا ابراز سند یا پرونده را لازم دانست اسناد یا پرونده مورد مطالبه را ارایه نماید والا کسی که مسئولیت عدم ارسال یا ابراز سند یا پرونده متوجه اوست به حکم شعبه دیوان به انفصال موقت از خدمات دولتی و نهادهای انقلابی تا یک سال محکوم می شود . همین مجازات مقرر است برای موردی که شعبه دیوان احتیاج به اخذ توضیح از نماینده واحدهای مذکور در بند (الف) ماده (۱۱) قانون دیوان دارد و مسئول مربوط از تعیین نماینده خودداری کند یا نماینده تعیین شده از حضور در دیوان و ادای توضیحات مورد نیاز استنکاف نماید .

ماده ۲۴- در مواردی که عزل یا استعفای وکیل یا فوت یا ممنوعیت او از وکالت به دیوان اعلام شود ، رسیدگی دیوان به تاخیر نخواهد افتاد و اگر توضیحی لازم باشد موکل می تواند شخصا برای ادای توضیح حاضر شود و یا وکیل دیگری معرفی نماید .

ماده ۲۵- دیوان می تواند هر گونه تحقیقی را که برای رسیدگی به شکایت و صدور حکم ضروری است به عمل آورده و یا آن را از هر یک از مراجع قضایی یا واحدهای ذی ربط تقاضا نماید و مراجع مزبور مکلف به انجام آن در مهلت مقرر می باشند .

ماده ۲۶- موضوع شکایت و خواسته باید منجز و بدون ابهام باشد و در صورت وجود ابهام شاکی مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ اخطاریه دیوان با رعایت مسافت قانونی نسبت به رفع ابهام اقدام نماید والا دادخواست در قسمتی که مبهم است و یا منجز نیست از طرف دیوان رد می شود و سپس شاکی می تواند پس از رفع ابهام تجدید دادخواست نماید .

ماده ۲۷- شکایت متعدد را که منشا و مبنای آنها مختلف است نمی توان به موجب یک دادخواست اقامه کرد مگر آن که دیوان بتواند به تمام آنها ضمن یک دادرسی رسیدگی نماید و همچنین اشخاص متعدد نمی توانند شکایت خود را که موضوع و منشا و مبنای مختلف دارد به موجب یک دادخواست اقامه نمایند . در صورت عدم رعایت این ماده دادخواست از طرف دیوان رد می شود .

ماده ۲۸- کلیه شکایات مطروحه در شعبه دیوان که موضوعا واحد یا مرتبط باشد به دستور رییس کل دیوان جهت رسیدگی به شعبه ای که از لحاظ تاریخ ارجاع مقدم است ارجاع می شود .

ماده ۲۹- در صورتی که شاکی یا مشتکی عنه فوت یا محجور شود دادرسی تا تعیین و معرفی قائم مقام قانونی او متوقف می شود ، مگر پرونده معد برای صدور رای باشد .

ماده ۳۰- شاکی می تواند دادخواست خود را در مرحله بدوی قبل از وصول پاسخ طرف شکایت یا انقضای مهلت آن مسترد دارد که در این صورت قرار ابطال دادخواست صادر می شود و شاکی می تواند یک مرتبه دیگر دادخواست خود را تجدید نماید .

ماده ۳۱- شاکی می تواند قبل از اعلام پایان رسیدگی دیوان در مرحله بدوی و تجدید نظر از شکایت خود به طور کلی صرف نظر نماید که در این صورت قرار اسقاط شکایت صادر می شود و دیگر شکایت قابل تجدید نیست .

ماده ۳۲- هر گاه رسیدگی دیوان منوط به ثبوت امری در مرجع صلاحیت دار دیگری است رسیدگی دیوان تا اعلام نتیجه قطعی رسیدگی از طرف مرجع مزبور متوقف و مراتب به طرفین ابلاغ می شود. ذی نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه دیوان به مرجع صلاحیت دار مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع به دیوان تسلیم نماید والا در مورد شاکی قرار ابطال دادخواست صادر و در مورد مشتکی عنه ادعای وی در آن قسمت بلا اثر تلقی خواهد شد.

ماده ۳۳- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دیوان عدالت اداری و محاکم دادگستری، حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.

ماده ۳۴- رییس یا دادرس علی البدل شعبه بدوی دیوان باید پس از انجام رسیدگی و تکمیل تحقیقات و انجام مشاوره و ملاحظه نظر مشاور در مواردی که مشاور تعیین شده است، ختم دادرسی را اعلام و ظرف یک هفته به صدور حکم مبادرت نماید.

ماده ۳۵- رای دیوان در دفتر مخصوص ثبت و رونوشت آن ظرف سه روز به تعداد طرف شکایت به اضافه دو نسخه تهیه و ارسال می شود.

ماده ۳۶- دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد:

الف- تاریخ و شماره دادنامه و شماره پرونده.

ب- مرجع صادر کننده رای.

پ- نام و نام خانوادگی و محل اقامت طرفین شکایت و نماینده قانونی آنها.

ت- خواسته.

ث - نام رییس یا علی البدل و مشاور در مواردی که مشاور تعیین شده باشد و تصریح به انجام مشاوره.

ج- شرح شکایت و دفاع طرف و خلاصه اقدامات انجام شده.

چ- رای دیوان.

ح- امضای رییس شعبه و مهر شعبه.

تبصره- دادن رونوشت از اوراق پرونده منوط به اجازه رییس شعبه می باشد.

ماده ۳۷- مدیر دفتر شعبه مربوطه باید ظرف سه روز پس از آن که دادنامه به امضا رسید، نسبت به ابلاغ آن و تسلیم یک نسخه رونوشت گواهی شده آن به طرفین اقدام نماید. ابلاغ

اوراق و احکام و تصمیمات دیوان به وسیله مامورین ابلاغ و اجرای دادگستری با ضوابط آیین دادرسی مدنی می باشد .

ماده ۳۸- هر گاه در مفاد رای دیوان ابهام و اجمالی باشد یا در تحریر آنها اشتباه یا سهو قلم پیش آمده باشد دیوان می تواند راسا یا به درخواست ذی نفع از رای رفع اجمال و ابهام کرده یا آن را تصحیح نماید . تصمیم دیوان در این مورد به طرفین ابلاغ می شود و اعطای رونوشت دادنامه بدون انضمام تصمیم اصلاحی دیوان ممنوع است .

ماده ۳۹- آرای شعب بدوی دیوان به درخواست یکی از طرفین و یا قائم مقام یا وکیل و یا نماینده قانونی آنان قابل تجدید نظر می باشد . مهلت و مرجع تجدید نظر در پایان رای قید می گردد .

ماده ۴۰- مهلت درخواست تجدید نظر برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رای است . چنانچه دادخواست تجدید نظر خارج از مهلت قانونی داده شود ، شعبه تجدید نظر قرار رد آن را صادر می کند .

ماده ۴۱- دادخواست تجدید نظر باید به زبان فارسی و با خط خوانا روی اوراق چاپی مخصوص نوشته و معادل بیست هزار ریال تمبر قانونی به آن الصاق و ابطال شود و حاوی نکات زیر باشد :

الف- مشخصات طرفین شکایت و اقامتگاه آنان .

ب- مشخصات رای مورد تقاضای تجدید نظر و تاریخ ابلاغ آن .

پ- ذکر کلیه اعتراضات نسبت به رای شعبه بدوی .

ت- تصویر یا رونوشت مصدق مدارک مورد استناد و رای مورد اعتراض .

ماده ۴۲- دادخواست تجدید نظر به دبیرخانه دیوان داده می شود . دفاتر شعب بدوی و تجدید نظر نیز در صورت وصول دادخواست تجدید نظر آن را ثبت و باید به دبیرخانه ارسال دارند . دبیرخانه مکلف است ظرف دو روز از تاریخ ثبت به نظر رییس کل دیوان برساند تا به یکی از شعب تجدید نظر ارجاع شود . ملاک احتساب در مهلت ، تاریخ اولین ثبت در مراجع مزبور یا تحویل به پست (پست سفارشی) می باشد .

ماده ۴۳- اگر مشخصات تجدید نظرخواه در دادخواست معین نشده باشد یا محل اقامت او معلوم نباشد دادخواست بلا اثر می ماند و پس از انقضای مدت تجدید نظرخواهی توسط



مدیر دفتر رد خواهد شد مگر این که قبل از انقضای مهلت مقرر دادخواست خود را تکمیل یا تجدید نماید .

ماده ۴۴- هر گاه دادخواست تجدید نظر از جهت نکات و شرایط مقرر در این آیین نامه ناقص و یا فاقد سند مثبت دادخواست دهنده باشد مدیر دفتر شعبه تجدید نظر ظرف دو روز از تاریخ ثبت دادخواست موارد نقص را کتبا به متقاضی تجدید نظر اطلاع می دهد تا ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ اخطار رفع نقص با رعایت مسافت بر طبق آیین دادرسی مدنی نسبت به رفع نقایص اقدام کند . در صورت عدم رفع نقص در مهلت قانونی دادخواست از طرف مدیر دفتر شعبه تجدید نظر رد خواهد شد .

ماده ۴۵- در صورت تکمیل پرونده مدیر دفتر مکلف است پرونده تجدید نظر را به ضمیمه پرونده بدوی به نوبت به نظر شعبه برساند . چنانچه شعبه برای اتخاذ تصمیم انجام تحقیقات یا اخذ توضیحاتی از طرفین یا ملاحظه اسناد و مدارکی را لازم بداند طبق مقررات اقدام می کند .

ماده ۴۶- شعبه تجدید نظر مرکب از یک رییس و دو مستشار است که با حضور دو نفر رسمیت می یابد و رای که به اتفاق صادر می شود قطعی است . در صورت عدم حصول اتفاق آرا ، مستشار دیگری به انتخاب رییس کل دیوان در رسیدگی و صدور رای شرکت می کند و رای اکثریت قطعی است .

ماده ۴۷- شعبه تجدید نظر پس از رسیدگی و تکمیل تحقیقات با اعلام ختم رسیدگی ظرف یک هفته رای بدوی را در صورتی که مطابق قانون تشخیص دهد تایید والا با فسخ آن رای مقتضی صادر می نماید .

ماده ۴۸- رای شعبه تجدید نظر ظرف یک هفته از تاریخ صدور باید پاک نویس شود و دادنامه باید حاوی نکات زیر باشد :

الف- شماره و تاریخ دادنامه و کلاسه تجدید نظر .

ب- مشخصات شعبه تجدید نظر .

پ- مشخصات کامل طرفین .

ت- موضوع اعتراض .

ث- گردش کار حاوی مفاد دادخواست بدوی و مدافعات طرف شکایت و خلاصه رای بدوی و موارد اعتراض و پاسخ آن .

ج- متن رای تجدید نظر .

دادنامه پس از امضای اعضای صادر کننده رای قطعی و مهر شعبه تجدید نظر به طرفین ابلاغ می شود .

ماده ۴۹- واحدها و مراجع دولتی مذکور در ماده (۱۱) قانون دیوان عدالت اداری مکلفند احکام دیوان را در آن قسمت که مربوط به واحدهای مذکور است بلافاصله پس از ابلاغ دادنامه به مورد اجرا گذارند . در صورت استتکاف مرتکب با حکم رییس کل دیوان به انفصال از خدمت دولتی و قانونی به مدت یک تا پنج سال محکوم می شود .

ماده ۵۰- در مورد تخلفات موضوع ماده (۲۳) این آیین نامه شعبه دیوان پس از رسیدگی حکم مقتضی صادر می نماید . حکم شعبه دیوان در مورد انفصال پس از ابلاغ به واحد مربوط باید بلافاصله به مورد اجرا گذاشته شود .

ماده ۵۱- این آیین نامه که در ۵۱ ماده و ۷ تبصره در اجرای **ماده (۲۳) قانون دیوان عدالت اداری** توسط هیات عمومی دیوان عدالت اداری تنظیم و پیشنهاد شده و در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۶ به تصویب رییس قوه قضاییه رسیده است جایگزین **آیین دادرسی دیوان- مصوب ۱۳۶۲-** و اصلاحات و الحاقات مربوط به آن می شود و از تاریخ اجرای این آیین نامه مقررات مذکور ملغی است .